

تحلیل سیاسی هفته (۷۸)  
نگاهی به گزارش مؤسسه بروکینگز از الزامات توافق جامع  
هسته‌ای ایران و گروه ۵+۱

## مقدمه

کنگره آمریکا به دنبال تصویب طرح جدیدی است که براساس آن غنی‌سازی محدود ۵ درصدی در داخل کشورمان پذیرفته خواهد شد، اما فشار تحریم‌ها حفظ شده و نقشه راهی برای نیل به توافق جامع و شکست احتمالی مذاکرات جمهوری اسلامی ایران و گروه ۵+۱ ترسیم خواهد شد. به نظر می‌رسد اتاق‌های فکر آمریکایی نقش قابل توجهی در طراحی و تدوین این طرح و سایر سیاست‌هایی دارند که هدف مشترک آنها نزدیک کردن دیدگاه‌های کاخ سفید و کنگره به یکدیگر و آمادگی قبلی برای سناریوهای مختلف مذاکرات نهایی است. این در حالی است که دور سوم مذاکرات وین طی روزهای ۲۰-۱۹ فرودین سال جاری (۹-۸ آوریل ۲۰۱۴) با هدف نزدیک کردن مواضع و دیدگاه‌های طرفین جهت شروع نگارش سند توافق جامع پیگیری شد. قبل از شروع این دور از مذاکرات، مقامات آمریکایی به صراحت اعلام کردند که جمهوری اسلامی ایران جهت پذیرش توافق نهایی باید تصمیم‌های دشواری بگیرد و بسیاری از فعالیت‌های هسته‌ای خویش را تعطیل کند. با این حال باید توجه داشت که پذیرش حق غنی‌سازی داخلی و عدم تعطیلی سایت‌های هسته‌ای از خطوط قرمز ایران در مذاکرات به شمار می‌رود.

## محورهای گزارش مؤسسه بروکینگز

با امضای توافقنامه ژنو مؤسسات و کارشناسان مختلفی در ایالات متحده آمریکا به ارزیابی مذاکرات هسته‌ای ایران و گروه ۵+۱ پرداخته‌اند که در این میان، مؤسسه بروکینگز یکی از قدیمی‌ترین و مهمترین مراکز پژوهشی آمریکا به شمار می‌رود که به مثابه اتاق فکری برای تصمیم‌گیرندگان این کشور، توصیه‌هایی برای رئیس‌جمهور، نمایندگان و سناتورهای آمریکا ارائه می‌کند. «رابرت اینهورن» یکی از کارشناسان مطرح بروکینگز است که اخیراً گزارشی با عنوان «جلوگیری از یک ایران مسلح هسته‌ای: الزاماتی برای یک توافق جامع هسته‌ای»<sup>۱</sup> به رشته تحریر درآورده است.<sup>۲</sup> این گزارش که در آستانه مذاکرات وین ۳ منتشر شده، با تکیه بر نگرانی‌های مقامات آمریکا و رژیم صهیونیستی درباره پرونده هسته‌ای کشورمان سعی دارد پیش‌نیازهای ضروری برای نیل به توافق نهایی مطلوب برای آمریکا و متحدانش را مشخص کند. اینهورن دارای سوابق اجرایی زیادی در حوزه مسائل خارجی و راهبردی است. وی در زمان ریاست‌جمهوری بیل کلینتون، دستیار وزیر امور خارجه آمریکا در زمینه منع گسترش تسلیحات کشتار جمعی بود و در دوران اوباما (تا پیش از ماه می ۲۰۱۳) به‌عنوان مشاور ویژه وزیر امور خارجه در حوزه منع گسترش و کنترل تسلیحات نقش ایفا می‌کرد. هم‌اکنون تمرکز مطالعاتی وی در مؤسسه بروکینگز بر مسائلی همچون کنترل تسلیحات، سیاست‌های تسلیحاتی آمریکا و

1. Preventing a Nuclear-Armed Iran: Requirements for a Comprehensive Nuclear Agreement

۲. برای دسترسی به متن این گزارش به لینک زیر مراجعه نمایید.

<http://www.brookings.edu/research/papers/2014/03/31-nuclear-armed-iran-einhorn>

موضوعات امنیت منطقه‌ای از جمله خاورمیانه و ایران است. اینهورن در طراحی و اجرای سیاست‌های واشنگتن در رابطه با برنامه هسته‌ای کشورمان در سال‌های گذشته نقش بارزی ایفا نموده است و گزارش اخیر او می‌تواند در شکل‌دهی به اذهان مذاکره‌کنندگان غربی مؤثر باشد. در این گزارش، رابرت اینهورن بر سه الزام اساسی جهت نیل به توافق نهایی مطلوب برای آمریکا تأکید می‌ورزد:

الف) یک توافق نهایی مطلوب باید جمهوری اسلامی ایران را ملزم به شفافیت‌سازی فراتر از معیارهای پروتکل الحاقی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نماید.

ب) مدت زمان لازم برای گریز هسته‌ای احتمالی به حدی افزایش یابد که به جامعه بین‌المللی امکان مداخله به موقع در صورت هرگونه تخطی از سوی ایران را بدهد.

ج) توافق هسته‌ای نهایی باید مورد اجماع نظر رئیس‌جمهور، کنگره و شرکای بین‌المللی واشنگتن باشد تا هرگونه تلاش ایران برای تخطی از این توافق با پاسخ بین‌المللی سریع و محکمی از جمله استفاده از نیروی نظامی مواجه گردد.

### تجزیه و تحلیل گزارش مؤسسه بروکینگز

همان‌طور که از گزارش‌ها و یادداشت‌های اتاق‌های فکر آمریکایی پیداست، طرح احتمالی کنگره با هدف ایجاد دستورکاری مشترک میان کنگره و کاخ سفید از طریق اجماع دوحزبی است. طی چند ماهی که از اجرایی شدن توافقنامه ژنو می‌گذرد، تحلیلگران و کارشناسان مختلف آمریکایی با انتشار مطالبی وجود اختلاف‌نظر حزبی میان دمکرات‌های کاخ سفید و جمهوری‌خواهان سنا را پاشنه آشیل تیم مذاکره‌کننده این کشور در گفتگوهای نهایی دانستند و بر ضرورت نزدیک‌سازی دیدگاه‌های این دو حزب مسلط جهت افزایش فشارها بر کشورمان تأکید داشتند. گفتنی است که مقامات رژیم صهیونیستی و برخی از تندروهای کنگره خواستار برچیدن کامل برنامه هسته‌ای و توقف غنی‌سازی داخلی ایران می‌باشند. اما دولت اواما و حامیانش معتقدند که بسیاری از این درخواست‌ها نه ضرورت دارند و نه امکانپذیر هستند. کارشناسانی مثل رابرت اینهورن نیز با تأیید رویکرد کاخ سفید معتقدند که مذاکره‌کنندگان غربی باید میان دو هدف «جلوگیری ایران از تولید سلاح هسته‌ای» با «جلوگیری ایران از دستیابی به قابلیت ساخت سلاح هسته‌ای» تمایز قائل شوند، زیرا جمهوری اسلامی ایران از مدت‌ها پیش به چنین قابلیتی رسیده است. در نتیجه بازداشتن ایران از تولید سلاح هسته‌ای به معنی از بین بردن قابلیت هسته‌ای این کشور نیست و برخلاف خواست صهیونیست‌ها هیچ‌گونه ضرورتی برای اجبار جمهوری اسلامی ایران به چشم‌پوشی از غنی‌سازی داخلی وجود ندارد. از طرف دیگر، اینهورن و همکارانش در مؤسسه بروکینگز به این امر واقف هستند که تنها راهکار رسیدن به سازش توجه همزمان به نیازهای داخلی ایران در کنار رفع نگرانی‌های طرف‌های غربی است. اگر اعضای گروه ۵+۱ نیازهای واقعی ایران را مد نظر قرار دهند، احتمال دستیابی به توافق نهایی بیشتر می‌شود. از طرف دیگر، توافق نهایی باید به‌گونه‌ای باشد که حقوق ذاتی ایران را حفظ کرده و به دولت این امکان را بدهد که از آن در برابر مخالفینش دفاع کند.

هرچند که به نظر می‌رسد، طرف‌های غربی حق غنی‌سازی محدود و داخلی (۵ درصدی) را برای جمهوری اسلامی ایران پذیرفته‌اند، لکن گزارش‌ها و مصاحبه‌هایی که از اتاق‌های فکر آمریکایی منتشر می‌شود، دورنمای رسیدن به توافق جامع را تاریک‌تر کرده است، زیرا بسیاری از این گزارش‌ها که به قلم کارشناسان خبره و متنقد هسته‌ای به رشته تحریر درآمده‌اند، حاوی تعهدات سنگینی برای طرف ایرانی هستند که از آنها می‌توان به پذیرش نظارت‌ها و محدودیت‌هایی

فراتر از پروتکل الحاقی، تعطیلی یا دست‌کم تبدیل وضعیت نیروگاه آب سنگین اراک، از بین بردن ذخیره اورانیم ۲۰ درصدی، کاهش قابل توجه سانتریفیوژهای نصب شده در نطنز، تبدیل شدن سایت فردو به مرکز پژوهشی - تحقیقاتی و تضمین مدت زمان ۱۲-۶ ماهه برای گریز هسته‌ای را نام برد. با توجه به تأثیرپذیری مذاکره‌کنندگان غربی از این اتاق‌های فکر و همچنین تلاش کنگره آمریکا برای تصویب طرحی که از این اتاق‌های فکر اخذ شده است، به راحتی می‌توان مذاکراتی سخت و طاقت‌فرسا برای طرفین متصور شد.

از آنجا که ایالات متحده آمریکا به اصطلاح قصد دارد، رهبران ایران را از طریق بالابردن هزینه‌ها و خطرات ناشی از به‌کارگیری ظرفیت هسته‌ای موجود از یکسو و افزایش زمان لازم برای گریز هسته‌ای ازسوی دیگر، محدود و مقید به تداوم فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای در آینده نماید. می‌توان انتظار داشت که اعمال هرگونه محدودیتی بر برنامه هسته‌ای کشورمان، مشروط به یک برهه زمانی طولانی و همچنین مشروط‌سازی خاتمه دادن به تحریم‌های شورای امنیت و آمریکا به رعایت تکالیف محوله به ایران طی برهه زمانی مذکور باشد.

### نتیجه‌گیری

به‌طور کلی باید گفت که توافق نهایی ۵+۱ با جمهوری اسلامی ایران در هر صورت گزینه ایدئال غرب نخواهد بود لکن این گزینه در مقایسه با بدیل‌های دیگر (تداوم تحریم‌ها یا حمله نظامی) گزینه مناسب‌تری برای آمریکا و متحدینش است و از آنجا که نه تداوم تحریم‌ها و نه حمله نظامی محدود هیچ یک توانایی توقف کامل فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای ایران را ندارند، مقامات کاخ سفید به دنبال دستیابی به توافقی هستند که به‌زعم خودشان امکان دستیابی کشورمان به سلاح هسته‌ای را سلب نماید.

به‌رغم تمایل هر دو طرف برای رسیدن به توافق نهایی تا ۲۰ ژوئیه ۲۰۱۴، هنوز اختلاف نظرهای کلیدی در رابطه با بسیاری از مسائل وجود دارد. در قالب گروه ۵+۱، علیرغم اینکه نشانه‌های اندکی مبنی بر تأثیرگذاری منفی رویارویی شرق و غرب در بحران اوکراین بر مذاکرات هسته‌ای وجود دارد، اما مقامات غربی همچنان بیمناک هستند که روسیه در تلافی تحریم‌های اعمالی آمریکا و اتحادیه اروپا علیه این کشور، مشکلاتی در روند مذاکرات به وجود آورد. ابراز نگرانی جان کری، وزیر امور خارجه آمریکا و برخی از سناتورهای کنگره از تعاملات اقتصادی جدید ایران و روسیه به‌ویژه قرارداد معاوضه نفت در برابر کالا، مصداقی از این نگرانی‌ها به شمار می‌رود. از سوی دیگر، حواشی سفر کاترین اشتون به تهران و قطعنامه تند پارلمان اروپا علیه کشورمان حاکی از عدم تمایل غربی‌ها به حذف تحریم‌های موجود و تلاش برای جایگزینی موضوع حقوق بشر با پرونده هسته‌ای حتی در صورت رسیدن به توافق نهایی است.

این اختلاف‌نظرها نه تنها در میان مذاکره‌کنندگان و روی میز مذاکره جاری است؛ بلکه بازیگران کلیدی خارج از گفتگوها را نیز شامل می‌شود. در این راستا، لابی‌های صهیونیستی در صددند از مجاری مختلف از جمله اتاق‌های فکر آمریکایی مذاکرات نهایی را به شکست بکشانند و یا دست‌کم در صورت رسیدن به توافق جامع، ادعای نقض توافق جامع را بهانه‌ای برای سازماندهی پاسخ بین‌المللی سریع و محکم از جمله استفاده از نیروی نظامی قرار دهند. از این رو، تیم مذاکره‌کننده ایرانی باید هوشیار باشد که پذیرش توافقی نامطلوب نه تنها می‌تواند برای امنیت ملی کشورمان خطرآفرین باشد، بلکه دستاویزی برای بهانه‌تراشی‌ها و فشارهای بعدی علیه جمهوری اسلامی ایران باشد.

